

معنی لغات درس به درس کتاب فارسی

پایه ی سوم ابتدایی

لغات درس اول (محله ی ما)

انتها : آخر ، پایان

بازارچه : بازار کوچک

بوستان : باغ باصفا ، جایی که گل های خوشبو در آن بسیار باشد .

ثبت نام : نوشتن اسم ، نام نویسی

نگران : دلواپس

عظمت : بزرگی ، شکوه

فیروزه ای : به رنگ آبی

قنادی : شیرینی فروشی

محله : قسمتی از یک شهر یا روستا

لغات درس دوم : زنگ ورزش

نرم نرمک : آهسته

بحث : گفتگو

حرفه ای : کسی که در کاری مهارت دارد .

پیوسته : پی در پی ، پشت سرهم

آب تنی : شست و شوی بدن در آب ، شناکردن

باستانی : بسیار قدیمی

بلور : نوعی شیشه ی شفاف که برای ساخت ظرف به کار می رود .

بیشه : جنگل

پونه ی وحشی : نوعی گیاه ، سبزی خوشبو مانند نعناع

جلب نظر کردن : جلب توجه کردن

تنگ : پارچ سفالی یا شیشه ای که در آن آب یا نوشیدنی دیگر می ریزند .

جنب و جوش : تلاش

حکیم : انسان دانا و خردمند

حیرت : تعجب

سفالی : ظرف یا اشیای گلی

شبیبه : مانند

صنوبر : نام درختی زیبا ، نامی برای دختران

مأمور : آن که به فرمان کسی برای انجام کاری انتخاب شود .

ماهرانه : با مهارت

مربی : کسی که چیزی را یاد می دهد .

مهارت : توانایی انجام کاری به نحو شایسته

لغات درس سوم : آسمان آبی ، طبیعت پاک

آلودگی : کثیفی

جوی : گذرگاه باریکی که آب از آن می گذرد .

چشمه : جایی که آب از زیر زمین بیرون می آید .

دامنه ی کوه : بخش شیب دار پایین کوه

دلپذیر : پسندیده و دل خواه

دل نشین : خوشایند و پسندیده

روان : جاری

طبیعت : بخشی از هستی

طراوت : تازگی

غرق شدن : فرو رفتن و خفگی در آب

گردش علمی : گردش دسته جمعی دانش آموزان برای یادگیری پیزهای جدید

گزارش : شرح و بیان کارهای انجام گرفته

گویا : رسا ، آشکار

لذت : حالت خوشایند و خوب

محیط : مکان اطراف شخص یا چیز

نشاط : شادی

نظافت : تمیزی

نگریست : نگاه کرد

آشغال : زباله

قله : نوک کوه یا تپه

ایزد : خداوند

هم فکری : باهم در مورد موضوعی فکر کردن

لغات درس چهارم (آواز گنجشک)

آزرده : رنجیده

آلودگی صوتی : هر صدای بدی که انسان را آزار دهد .

احوال پرسی : حال و احوال کسی را پرسیدن

اطراف : دور و بر

بی صبرانه : بدون تحمل

ترقه : نوعی بمب دست ساز کوچک

تشکچه : تشک کوچک

روزنامه دیواری : نوشته ای از مطالب گوناگون که دانش آموزان در مدرسه تهیه و بر روی دیوار آویزان می کنند .

سکوت : خاموشی

فرصت : وقت مناسب برای انجام دادن کاری

فشفشه : نوعی اسباب بازی که در آن باروت می ریزند و هنگام سوختن به هوا می رود و نور افشانی می کند .

مشورت : نظر دیگران را خواستن

منتظر : چشم به راه

منظم : مرتب و با نظم

نماینده : کسی که از طرف کسی یا گروهی کاری انجام دهد .

گوش خراش : صدای بسیار شدید و آزاردهنده

غصه : غم و اندوه

ناراضی : ناخشنود

لغات درس پنجم (بلدرچین و برزگر)

آشیانه : لانه ی حیوانات

انتظار : صبر

برزگر : کشاورز

خویشان : جمع خویش ، نزدیکان - بستگان

درو : برداشت ، کشت و چیدن گیاهان مثل گندم و برنج

دهقان : کشاورز

کشتزار : مزرعه ، زمین زراعت شده

صحرا : بیابان

لغات درس ششم (فداکاران)

آغوش : بغل ، میان دو دست

اشغال : جایی را به زور گرفتن

افتخار : سر بلندی

افتخار آفرین : کاری که باعث سربلندی می شود .

بی ادعا : کسی که ادعایی ندارد .

پای کوبی : شادی کردن

پیشروی : به جلو رفتن

آزار می داد : اذیت می کرد .

تانک : خودروی بزرگ و سنگین جنگی که مسلسل و توپ دارد و به کمک زنجیرهای زیر آن قادر به حرکت در مکان های مختلف است

غبار آلود : هوای پرگرد و خاک

جاودانه : چیزی که تا ابد بماند .

جلوگیری : پیشگیری

دلیرانه : شجاعانه

چوب دستی : عصا

رزمنده : مبارز

واقعہ : اتفاق

ریزش : فرو ریختن

لبریز : پر

طراوت : تازگی

جنگ تحمیلی : جنگی که از طرف کشور عراق به ایران تحمیل شد و هشت سال طول کشید .

فانوس : نوعی چراغ نفت سوز

سرمشق : الگو

فداکار : از خود گذشته

اشتیاق : شوق و علاقه

کینه : دشمنی کسی را در دل داشتن

شریف : بزرگووار

مسدود : بسته شده

حتمی : قطعی

نارنجک : نوعی بمب دستی

دفاع : تلاش برای حفظ خود در مقابل دشمن

دلاورانه : شجاعانه

ناودان : لوله ای که آب پشت بام از آم پایین می آید .

هم نوعان : هم جنس ، افرادی که از یک نوع هستند .

لغات درس هفت (کارنیک)

جوز : گردو

ارزن : دانه ی ریز خوراکی که غذای پرندگان است .

به بار آمدن : نتیجه دادن ، میوه دادن

سر حال : با نشاط

فرمانروا : حاکم

قرض گرفتن : پول یا چیزی را از کسی گرفتن و بعد از مدتی پس دادن

کاموا : نوعی نخ کلفت که با آن لباس های زمستانی می بافند .

عاقبت : سرانجام

بهانه : دلیلی که درست نیست .

غصه : غم و اندوه

عادت : آنچه بر اثر تکرار رفتار همیشگی انسان می شود .

آسیب : صدمه

اندر آن : در آن

لغات درس هشتم (پیراهن بهشتی)

جبرئیل : فرشته ی وحی

زمزمه : صدای حرف زدن آهسته ، پیچ پیچ

ضعیف : بی حال و ناتوان

عطر : بوی خوش

فوری : سریع

قامت : قد

لطیف : نرم و خوشایند

همهمه : سر و صدا ، شلوغی

سعادت‌مند : خوشبخت

قیام : بلند شدن ، ایستادن

غرق شدن : فرو رفتن و خفگی در آب

سکوت : خاموشی

کلام : سخن

لغات درس نهم (بوی نرگس)

بی انتها : بی پایان

جویبار : جوی بزرگی که از جوی های کوچک تشکیل شده است .

چشم نواز : زیبا و قشنگ

حوض : جایی برای نگه داری آب

دل نشین : خوشایند و پسندیده

زعفران : گیاهی خوش بو که ارزش غذایی و دارویی دارد .

فروغ : نور ، روشنایی

نغمه : صدای خوش ، سرود

عطر : بوی خوش

بلعید : خورد

قورت : فرو بردن

غایب : پنهان از چشم

لغات درس دهم (یار مهربان)

آزرده : رنجیده ، ناراحت

صمیمی : همدل و مهربان

غروب : پایان روز ، هنگام قرار گرفتن خورشید در افق مغرب

لذت : حالت خوشایند و خوب

مراقب : مواظب و نگهبان

معمولاً : بیشتر وقت ها

موضوع : آن چه درباره ی آن گفت و گو می شود .

لغات درس یازدهم (نویسنده ی بزرگ)

حاتم طایی : کسی که به بخشندگی شهرت دارد .

بزرگ همت تر : بخشنده تر

به حاجتی : برای کاری

خارکن : کسی که کارش کندن خار است .

پشته : تپه

سماط : سفره

گرد آمده اند : جمع شده اند .

حاصل : نتیجه ، سود

آرامگاه : قبر

جوان مردی : بخشندگی

احادیث : جمع حدیث ، سخنان پیامبران و امامان

حکایت : سخنی کوتاه که پند و اندرز را بیان می کند .

امرای عرب را : برای فرمانروایان عرب

آرامش : آرام بودن ، آسودگی

حاجت : نیاز ، احتیاج

حفظ : نگه داری ، نگهبانی

خلیفه : جانشین ، نماینده ، حاکم

خواب گزار : کسی که خواب دیگران را توضیح می دهد .

شگفتی : تعجب

مجازات : تنبیه

مژده : خبر خوب

لغات درس دوازدهم (ایران عزیز)

زرخیز : دارای خاک حاصلخیز و معدن های با ارزش

خلیج : پیش رفتگی نسبتاً وسیع آب در خشکی

دل انگیز : خوب و زیبا

برازنده : مناسب ، شایسته

پهناور : گسترده ، وسیع

پرورد : پرورش داد

گسترد : پهن کرد

رونق : رواج

زاد : به دنیا آورد

زادگاه : محل تولد

طمع : زیاده خواهی ، حرص

حریم : طمع کار

نهراسیم : نترسیم

فریبا : بسیار زیبا

لغات درس چهاردهم (ایران آباد)

اتحاد : همبستگی

اهمیت : با ارزش و مهم بودن

باعث : دلیل

دفاع : تلاش برای حفظ خود در مقابل دشمن

دلاورانه : شجاعانه

رزمنده : مبارز

صمیمی : همدل و مهربان

مرزنشینان : کسانی که در مناطق مرزی کشور زندگی می کنند .

میهن : وطن ، کشور

هم فکری : با هم درباره ی موضوعی فکر کردن

گنجینه : گنج

ملی : مربوط به همه ی مردم کشور

مشورت : نظر دیگران را خواستن

حلوا : نوعی خوراکی که با آرد ، روغن و شکر تهیه می شود .

قل خوردن : غلتیدن

شبیبه : مانند ، مثل

گریست : گریه کرد

کیهان : دنیا ، جهان ، عالم

لغات درس پانزدهم (دریا)

افق : کنار آسمان

پهناور : وسیع

تن : بدن

کبود : رنگ آبی تیره

ساحل : کنار دریا یا رود

غوطه : فرو رفتن در آب

زلزال : روشن و صاف

دل گشا : خوش منظره و با صفا

می خیزد : بلند می شود

رام : آرام بودن

لغات درس شانزدهم (اگر جنگل نباشد)

غرش : صدای بلند و ترسناک

زوزه : صدای بعضی از حیوانات مانند گرگ

کمین : پنهان شدن در جایی برای حمله ی ناگهانی

کرگدن : جانوری بزرگ با پوست کلفت با یک شاخ روی پوزه

حاشیه : کنار ، گوشه

مواد سمی : موادی که به بدن آسیب می رسانند .

ویران : خراب

اکسیژن : گازی در هوا که برای زنده ماندن موجودات زنده لازم است .

روان : رونده ، جاری

غمناک : غمگین

فراهم نهاده : آماده کرده

لغات درس هفدهم (چشم های آسمان)

آثار : جمع اثر ، نشانه ها

آراسته اند : آرایش کرده اند

آسیب : صدمه

آفرینش : خلقت ، آفریدن

احسان : نیکی کردن

اشتیاق : شوق و علاقه

باشتاب : با عجله

بخشایش : لطف و بخشش

بدرقه کردن : کسی را همراهی کردن برای خداحافظی

برازنده : مناسب

براق : درخشنده

بی خیال : خونسرد

پاکزاد : از نژاد و نسل پاک

تاچه : بر آمدگی یا فرورفتگی در دیوار برای گذاشتن چیزی

جهیدن : پریدن

حاضر : آماده

حیرت : تعجب

خاص : ویژه

خلق : آفرینش ، مردم

خوش و بش کردن : احوال پرسی کردن

خیره شدن : با دقت به چیزی نگاه کردن

درست پیمان : وفادار

دهانه : لبه

رحمت : دل سوزی و مهربانی

رونق : رواج

زیارت : دیدار از آرامگاه امامان و بزرگان دین

ساخت و ساز : ساختن

سیل : جریان شدید آب که بر اثر بارش زیاد اتفاق می افتد .

عاقبت : سرانجام

عظیم : بزرگ

عنکبوت : نوعی حشره که تار می تند .

وارونه : به عکس

کنجکاوی : علاقمندی به دانستن چیزی

واضح : آشکار

لغزنده : لیز

واقعہ : اتفاق

لیز خورد : سرخورد

مخفی : پنهان

مور : مورچه

نور افشانی : پراکنده کردن نور به محیط

موفق باشید

دانش آموزان گلم

نوروزی

